پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۸

No.34 Spring 2019

۱-۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲۹

سازمان فضایی شهر اشکانی شهرتپه، درگز، شمال شرق ایران

حسن نامی: استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور

سید مهدی موسوی نیا: استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور (m.mousavinia@neyshabur.ac.ir)

چکیده

شهر حامل روح جامعه و آینهٔ تمام نمای کیفیت جوامع انسانی است. در ایران باستان، شهر موجودیتی است وابسته و قرین به ارادهٔ شاهی و در پی آن کیفیت این موجودیت شهری، همسو با خواست شاه قابل تعریف و ارزیابی است. شهرتپه از شهرهای دوره اشکانی در شمال شرق ایران است. در دومین فصل مطالعات میدانی محوطه، بقایای برخی از عناصر فضایی این شهر یافت گردید. این عناصر فضایی شامل استحکامات دفاعی، دروازه، ارگ، شارستان، منطقه صنعتی و سیستم فاضلاب شهری است.کیفیت انتظام این عناصر شهری، با نگاه پادشاهان اشکانی به شهر هم‌وزن است. این نگاه در بافتار تاریخی و جغرافیایی شهرتپه بار معنایی بیشتری می‌یابد. همجواری شهرتپه و درگز با نسا و ترکمنستان، در کنار داده‌های باستان‌شناسی محوطه نشان می‌دهد شهرتپه از اولین شهرهای ایجاد شده توسط اشکانیان در شمال شرق ایران است. بر این اساس، کیفیت سازمان فضایی شهرتپه به نمایندگی از شهرهای اوایل دوره اشکانی، مبین نگاه پادشاهان اوایل دوره اشکانی به مقوله شهر و شهرنشینی است. با استناد به داده‌های باستان‌شناسی، بارزترین مشخصه عناصر فضایی شهرتپه، قابلیت تفکیک‌پذیری آن‌ها از یکدیگر است. ارگ، شارستان و منطقه صنعتی از یکدیگر جدا بوده و توسط باروی سراسری و خندق بیرونی محدود شده‌اند. تنبوشه‌های سفالی شهر نیز که در پایین‌دست شهرتپه یافت شده است بر گمان شهری از پیش طراحی‌شده می‌افزاید. با نگاهی کلان‌تر به شهر، در آن‌سوی عناصر شهری، نمایندگان طبقات اجتماعی اشکانی دیده می‌شود که کاوش‌های باستان‌شناسی حضور برخی از آن‌ها را در شهرتپه گزارش داده است. نخبگان سیاسی-اجتماعی، جنگاوران و صنعتگران سه طبقه اجتماعی هستند که در جامعه اوایل اشکانی شهرتپه حضور دارند. درنهایت، گمان می‌رود اشکانیان به پشتوانه چنین کیفیت‌های متعالی انتظام‌های شهری که انتظام سیاسی-نظامی نیز از آن مستفاد می‌گردد، به گسترش قلمرو خود از مرزهای محدود شمال شرق به‌کل ایران پرداختند و بدین طریق خیز بلندی برای جانشینی سیاسی هخامنشیان در ایران برداشتند.

واژگان کلیدی: شهرتپه، شهر، دوره اشکانی، سازمان فضایی، شمال شرق ایران، درگز

Abstract

Historical appearance of city is not similar in different civilizations and cultures. These civilizations have formed different cities; because the aim and perspective of these cultures to the cities are different. In the context of ancient Iran, investigating Iranian cities shows some mutual features specifically in their spatial organizations. Ancient Iranian cities are exactly what the kings would like to. In this regard, in examination of ancient Iran city always reveals the role of king in the quality of formation and even in spatial organization of it. Shahr-Tepeh is a Parthian site located in Dargaz district, near to Iran-Turkmenistan borders. Based on archaeological surveys this site is one of the largest Parthian sites in the northeast of Iran. In addition, archaeological excavations indicate that this site is one of the most important sites in early Parthian period. Beside archaeological excavations, systematic sampling survey is another archaeological study in this site. The most frequent findings of this survey were ceramic fragments, in addition to some kiln wasters, gypsum plaster and impressed designs bricks. In second phase of archaeological studies, some elements of urban forms of Shahr-Tepeh were revealed: Rampart, Gateway, Kohandege, Sharestan, Industrial area and Wastewater system. This article tries to introduce and describe spatial organization of Shahr-Tepeh based on archeological findings of this site specifically by these urban elements. To find the reliable results of spatial organization, urban elements of Shahr-Tepeh have been studied in the context of history and geography of region. This article showed not only Shahr-Tepeh urban elements are real examples of spatial organization of city in early Parthian period, but also revealed all of urban elements were formed in a unique pattern of city in ancient world. The best characteristic of this early Parthian spatial organization is the exact separation of all urban elements in Kohandege. The Arg, Sharistan, and the industrial zone have been separated and limited by overall barrows and external ditches.

Keywords: Shahr-Tepeh, City, Parthian Period, Spatial Organization, Northeast of Iran, Dargaz

*نویسنده مسئول مکاتبات: حسن نامی (۰۹۱۵۱۰۶۲۷۸۹) (hasannami@neyshabur.ac.ir)

مقدمه

شهر مرکز ثقل زندگی اجتماعی است و عناصر تشکیل‌دهنده آن، به مثابه اجزاء لاینفک سازمان شهری می‌تواند کیفیت این زندگی اجتماعی را بازتاب دهد. بر این اساس به نظر می‌رسد کیفیت حیات شهری در کالبد شهرها نمایان شده باشد. میزان این کیفیت ارتباط مستقیمی با اجزاء تشکیل‌دهنده شهر دارد. هنگامی‌که از کیفیت‌های مختلف حیات شهری سخن می‌رود، بالطبع گوناگونی عناصر شهری نیز از آن مستفاد می‌گردد. گوناگونی عناصر شهری در فرهنگ‌های مختلف که انتظام‌های گوناگون شهری را موجب می‌شود، محصول نگاه متفاوت شهروندان به هدف غایی زندگی جمعی است. در ایران عصر باستان، شهر همواره با سیاست و متعاقباً قدرت سیاسی، پیوندی لاینفک داشته است. گزاره‌هایی در دست است که شهرها و پادشاهان را در کنار و مکمل یکدیگر نشان می‌دهد. با چنین نگاهی است که در مفهومی گسترده، از شهر معانی پادشاهی، شاهی کردن و فرمان راندن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰/۱٤٦۰) مستفاد گردیده است. نوشتار پیش رو باهدف فهم سازمان فضایی شهری در محوطه شهرتپه در شهرستان درگز در دوره اشکانی مرقوم گردیده است. قالب‌های نوشته حاضر در رسیدن به‌غایت فوق، بر داده‌های یافت شده از دومین فصل کاوش باستان‌شناسی و بررسی سیستماتیک شهرتپه استوار است. بنابراین گمانه‌های مطرح‌شده در نوشته پیش رو، به‌منظور فهم هدف غایی تحقیق، با داده‌های باستان‌شناسی یافت شده از محوطه هم‌سنگ است. آنچه در تحقیق حاضر سازمان فضایی شهری نامیده می‌شود به‌واقع درک نحوه چیدمان کل‌های شهری در کنار یکدیگر است تا درنهایت بدین هدف غایی دست یابیم: سازمان شهری تا چه اندازه در نخستین سده‌های حکمرانی این امپراتوری قالب‌مند بوده و انتظام داشته است. در نوشتار حاضر به‌منظور پاسخ به چیستی‌های فوق، بستر جغرافیایی شهرتپه و درگز در بافتار تاریخ اشکانی ارزیابی گردیده است تا بتوان پاسخی منطقی برای چرایی انتخاب این محدوده جغرافیایی یافت. همسو با مورد فوق، شهرتپه در بافتار سیاسی اشکانیان نیز ارزیابی گردیده است تا بتوان بین ساخت شهرتپه و قدرت‌گیری تدریجی اشکانیان ارتباط معناداری یافت. به‌علاوه، کل‌های موجود شهرتپه تشریح گردیده است تا درنهایت بدین پرسش پاسخ داده شود که کیفیت سازمان شهری شهرتپه، در اولین سده‌های قدرت‌گیری اشکانیان تا چه اندازه قالب‌مند بوده است. درنهایت با نگاه کلان به سازمان شهری شهرتپه در بافتار تاریخ و جغرافیای اشکانی، راجع به کیفیت این انتظام شهری در نخستین سده‌های حکمرانی این امپراتوری، گمانه‌هایی ارائه گردیده است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که سازمان فضایی شهر اشکانی شهرتپه چگونه بوده است. داده‌های کشف‌شده از دومین فصل کاوش باستان‌شناسی شهرتپه و مواد فرهنگی یافت شده از بررسی سیستماتیک محوطه، مبنای تحقیق حاضر در پاسخ به پرسش پیش‌گفته است. بنابراین تحقیق پیش رو، در زمره مطالعات تاریخی بنیادی است که تلاش می‌کند با تفسیر داده‌های باستان‌شناسی، گمانه‌هایی راجع به الگوی موجود در ساخت فضایی شهری ارائه دهد. در نوشته حاضر، برای دستیابی به‌غایت پیش‌گفته از روش هرمنوتیک بازسازی استفاده گردیده است. هرمنوتیک بازسازی یکی از این شاخه‌ها است که اغلب برای بازسازی معنای رویدادها و وقایع تاریخی به کار می‌رود. از خلال همین شاخه از هرمنوتیک است که تلاش می‌شود معانی پنهان در لابلای داده‌های مبهم تاریخی فهم گردد تا بر این اساس بتوان به بازسازی و ارائه انواع کنش‌ها، رفتارها و تعاملات انسانی در تاریخ جوامع انسانی دست یازید.

بیان مسأله

سازمان فضایی در تحقیق پیش رو، انتظام میان عناصر شهری است که در آن شهر به‌عنوان یک سیستم معرفی می‌شود. این سازمان فضایی شهری، محصول نگاه شهروندان جامعه به مفهوم شهر، فضاهای شهری و چرایی‌های زیست جمعی است. لذا عناصر شهری شهرهای مختلف، حاصل ادراک شهروندان جامعه نسبت به خود، جامعه و دنیای پیرامون است. در این صورت، بسته به نگاه شهروندان هر جامعه، می‌توان انتظام‌های گوناگون شهری را انتظار داشت. این مورد قابل تعمیم به دوره اشکانی و شهر اشکانی شهرتپه نیز می‌باشد. این مورد که سازمان فضایی شهرتپه در اولین

سده‌های حکمرانی اشکانیان چگونه بوده و تا چه اندازه قالب تاریخی اوایل اشکانی، در کیفیت این انتظام شهری مؤثر بوده است و نیز شواهد باستان‌شناسی تا چه اندازه، قادر بوده است، کیفیت نظم فضایی موجود میان عناصر شهری شهرتپه را بازتاب دهد؟ انتظار می‌رود با قرار دادن شهرتپه در بافتار تاریخ و جغرافیای اشکانیان، بتوان به چرایی‌های پنهان در پشت سازمان فضایی شهرتپه پاسخ داد تا بدین طریق به نحوی قالب‌مندتر، راجع به نگاه اشکانیان به ساخت شهری در نخستین سده‌های حکمرانی این امپراتوری گمانه‌هایی مفروض ارائه نمود.

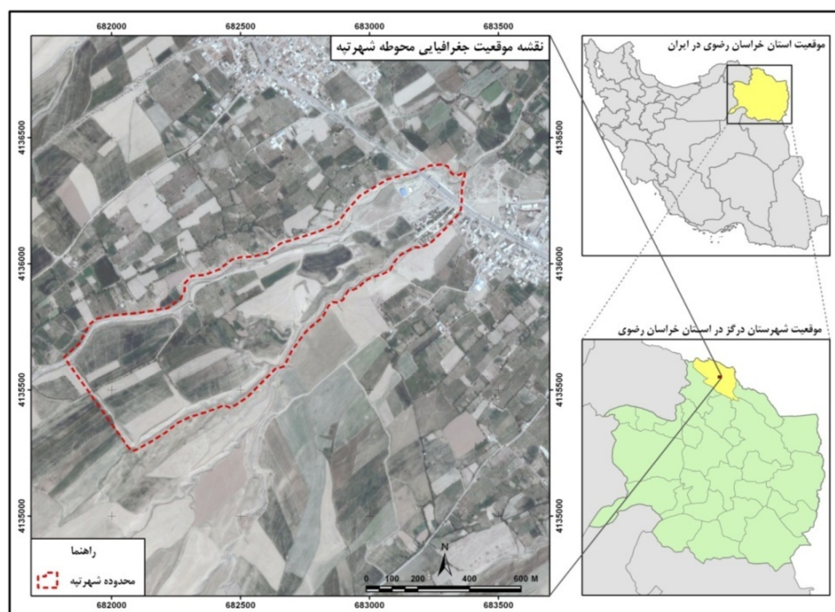
پیشینه پژوهش

باوجود اهمیت شهرتپه و درگز در مطالعات باستان‌شناسی دوره اشکانی، تحقیقات باستان‌شناسی هیچگاه همسنگ با این حوزه جغرافیایی مهم اوایل دوره اشکانی نبوده است.به‌جز اشارات پراکنده محققان غیر ایرانی (Napier &kazi, 1876: 62-63; Rawlinson, 1879: 113-149; Frankfort, 1927: 83-84)، بررسی عزت‌الله نگهبان در درگز در سال ۱۳۴۵ش را می‌توان اولین فصل مطالعات باستان‌شناسی در این منطقه تلقی نمود که بیشتر مبتنی بر داده‌های پیش از تاریخ درگز است. گزارش این بررسی به قلم یحیی کوثری و علی‌اکبر سرفراز، امروزه در آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی موجود است (کوثری و سرفراز، ۱۳۴۵؛ لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۳). دیگر مطالعات باستان‌شناسی درگز بازدید و بررسی فیلیپ کوهل و دنیس هیسکل در شهریور و آبان ۱۳۵۷ش است. آنها در این بررسی به توصیف مختصر برخی محوطه‌های پیش از تاریخی، تاریخی و اسلامی درگز پرداختند (Kohl & Heskel, 1980: 160-172). محمود بختیاری شهری نیز در سال ۱۳۷۵ش درگز را بررسی کرد و برخی از محوطه‌های اشکانی این شهرستان را برای اولین بار معرفی نمود (بختیاری شهری، ۱۳۷۵). در این مطالعات از شهرتپه به‌عنوان یکی از محوطه‌های مهم دوره اشکانی در شمال شرق ایران یاد شده است. به‌واسطه این اهمیت است که در تابستان ۱۳۸۸ش فعالیت‌های میدانی شهرتپه آغاز گردید و علی حسن‌آبادی از سازمان میراث فرهنگی استان خراسان رضوی مأموریت یافت تا عرصه و حریم شهرتپه را مشخص کرده و پیشنهاد دهد. گزارش این فصل از کاوش باستان‌شناسی شهرتپه در دست نیست. مهدی فلاح مهنه نیز در پایان‌نامه دکتری خود، ضمن بررسی محوطه‌های اشکانی درگز، از شهرتپه به‌عنوان مهم‌ترین محوطه اشکانی این حوزه جغرافیایی نام برده است (فلاح مهنه، ۱۳۹۴). حسن نامی نیز در سال ۱۳۹۵ش در راستای رساله دکتری خود، شهرستان درگز را باهدف آگاهی از کیفیت حضور اشکانیان بار دیگر بررسی نمود. به‌علاوه، باهدف بازنگری در گمانه‌زنی پیشین، به بررسی و کاوش در شهرتپه پرداخت و عرصه و حریم محوطه را پیشنهاد نمود (نامی، ۱۳۹۵). نامبرده در یک تک‌نگاره، با استناد به داده‌های یافت شده از شهرتپه، به ارزیابی اهمیت این محوطه در مطالعات باستان‌شناسی شمال شرق ایران در اوایل دوره اشکانی پرداخته است (نامی و دیگران، ۱۳۹۶).

کاوش‌های باستان‌شناسی در شهرتپه

شهرتپه با حدود ۷۰ هکتار وسعت، از وسیع‌ترین محوطه‌های اشکانی شمال شرق ایران است که در شمال غربی شهر چاپشلو در شهرستان درگز واقع شده است (تصویر ۱). تا به امروز دو فصل کاوش در این محوطه انجام گرفته است. در اولین فصل کاوش باستان‌شناسی در تابستان ۱۳۸۸، آقای علی حسن‌آبادی باهدف تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه، ۲۹ گمانه آزمایشی در شهرتپه حفر کرد. درنتیجه، بقایای آثار معماری، ظرف‌های سالم سفالی، آجرهای منقوش و قطعات سفالی از اوایل دوره اشکانی شناسایی گردید (حسن آبادی: ۹۵/۰۶/۰۳). در دومین فصل کاوش شهرتپه در تابستان ۱۳۹۵ش، حسن نامی به بازنگری در عرصه و حریم محوطه پرداخت. نامبرده پیش از انجام مطالعات میدانی، به بررسی باستان‌شناسی شهرتپه پرداخته است. در این بررسی، سطح محوطه با تقسیم به مربع‌های ۲۲۵×۲۲۵ متر مورد بررسی سیستماتیک قرار گرفت. درنتیجه این بررسی، بقایای خندق، حصار، دروازه، شاه‌نشین، شارستان و تنبوشه‌های سفالی معرف وجود سیستم فاضلاب شهری کشف گردید. در ادامه، ۳۸ گمانه آزمایشی به ابعاد ۲×۲ متر در شهرتپه حفر گردید که درنتیجه آن، بخش صنعتی محوطه نیز کشف گردید (نامی، ۱۳۹۵: ۲۶۴-۲۵۱). داده‌های یافت شده از بررسی سطحی محوطه و مواد فرهنگی کشف‌شده از دومین فصل کاوش

باستان‌شناسی در شهرتپه، قالب‌های تحقیقی نوشته حاضر در بازسازی سازمان شهری شهرتپه در نخستین سده‌های امپراتوری اشکانی است.



تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی شهرتپه نسبت به شهرستان درگز و ایران (مأخذ: نگارندگان)

بسترهای تاریخی و جغرافیایی شکل‌گیری شهرتپه

شهرتپه در شهرستان درگز و در مجاورت کشور ترکمنستان واقع شده است. این محوطه، به خط مستقیم، در فاصله حدود ۱۰۰ کیلومتری نسا، نخستین تختگاه اشکانیان واقع گردیده است. این موقعیت جغرافیایی در بافتار تاریخ اشکانیان، وجه بارز اهمیت شهرتپه در مطالعات باستان‌شناسی دوره اشکانی است. نخستین جنبش‌های استقلال‌طلبانه اشکانیان در ایالت پارثوا روی داده است. حوزهٔ جغرافیایی دقیق این ایالت همچنان نامشخص است؛ بااین‌حال با استناد به متون هخامنشی (شارپ، ۱۳۸۲: ۵۱-۵۰، ۳۳)، آثار نویسندگان کلاسیک (Herodotus, 1920: 265-272; Arrian, 1929: 30؛ استرابو، ۱۳۸۲: ۲۸) و پژوهش‌های محققان معاصر (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۷)، شمال شرق ایران مفروض‌ترین گمان در مکان‌یابی ایالت پارثوا اشکانی است. بنابراین اشتباه نیست اگر تصور شود شهرتپه نیز بخشی از این ایالت بوده است.این ایالت بخشی از جغرافیای اوایل اشکانی تا پیش از گسترش تدریجی قلمرو این امپراتوری به مرزهای مرکزی و غربی بوده است.

شواهد باستان‌شناسی، گمانه‌هایی راجع به تاریخ شهرتپه ارائه کرده است. با استناد به داده‌های باستان‌شناسی، از جمله قطعات سفال و آجرهای منقوش قابل مقایسه با نسا (نامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۹-۱۳۷؛ Turco et al, 2015: 280-375)، احتمالاً شهرتپه در اولین سده‌های حکمرانی اشکانیان ساخته شده است. اگر چنین باشد، نگاه توأمان به تاریخ و جغرافیای شهرتپه نشان می‌دهد این محوطه، نماینده اولین شهرهای ساخته شده توسط اشکانیان و از اولین پایگاه‌های شهری این حکومت پس از نسا است. در این بستر تاریخی و جغرافیایی، با در نظر گرفتن اهمیت باستان‌شناسی شهرتپه، حتی می‌توان گمان برد این محوطه یکی از گزینه‌های احتمالی معرف دارا، شهر مهم و گمشده اوایل دوره اشکانی است که برخی از محققان آن را در درگز مکان‌یابی کرده‌اند (Tomaschek, 1896: 2682; Wiesehöfer, 2004: 409; اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱: ۳۵۱-۳۵۰؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۹).

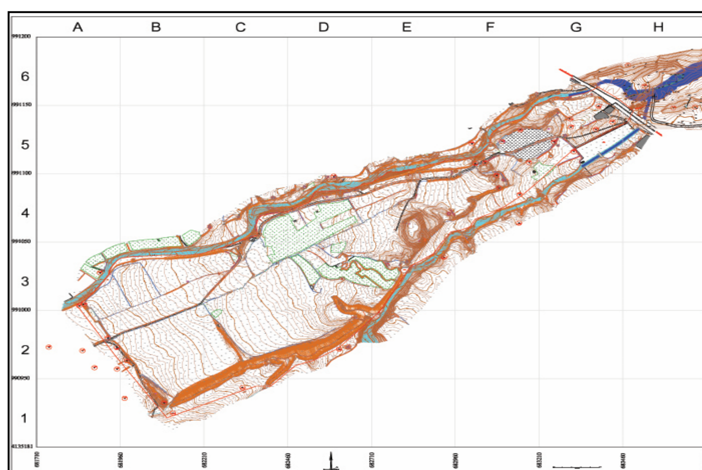
سازمان فضایی شهری در ایران پیش از اسلام

سازمان فضایی شهر ایرانی در پیش از اسلام، بیانگر وجود نظمی خاص در طبقات اجتماعی است. این سازمان

فضایی، بیان فضایی ذهنیت حاکم بر جامعه است که از آئین آنها برآمده است. تأکید این سازمان فضایی بر تمایز عرصه‌های طبقات اجتماعی و شفافیت بخشیدن به جدایی معنایی آن‌هاست. در این انتظام، مناطق جداگانه، با رعایت ترتیب اهمیت ساکنان و متولیان شهر مکان‌یابی می‌گردند. جدایی مکان مقدس از مکان عادی زندگی شهروندان، شرط اصلی در سازمان فضایی این شهرها است (منصوری، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۲؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۴). شایان‌ذکر است بخش قابل‌توجهی از این تمایز، ناشی از نظم فضایی شهر ایرانی در پیش از اسلام است. سلطان‌زاده با ارزیابی فقرات وندیداد راجع به شهر ایرانی، الگویی از کیفیت ساخت شهر ایرانی و تمایز طبقات اجتماعی در محلات جداگانه پیشنهاد داده است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۰). مطالعات شهر ایرانی نیز این انتظام فضایی را در شهرهای پیش از اسلام بازتاب داده است (هوف، ۱۳۶۵؛ پرو، ۱۳۶۵؛ منصوری، ۱۳۸۶؛ سرفراز و همکاران، ۱۳۸۶؛ کریمیان و دیگران، ۱۳۸۹؛ پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۳؛ حسینی و دیگران، ۱۳۹۵). بر این اساس می‌توان گمان برد سازمان فضایی شهر ایرانی بر جدایی مناطق شهری با رعایت جایگاه طبقات اجتماعی تأکید داشته است. مفروض است این جدایی فضایی به نحوی بوده است که شهروندان این شهرها، ضمن درک این تمایزات فضایی، جایگاه اجتماعی خود در شهرها را نیز به‌راحتی دریابند.

منظر عمومی و فضاهای شهری شهرتپه

شهرتپه با منظری طولی، در دشت درگز واقع شده و توسط یک باروی سراسری محدود شده است. در بخش‌هایی از بارو، بقایای برجستگی‌های برج مانندی دیده می‌شود. در درون محوطه، بقایای پشته‌هایی دیده می‌شود که احتمالاً نشان‌دهنده بقایای آثار معماری است. در شرق محوطه نیز بقایای دروازه ورودی شهر دیده می‌شود. این محوطه توسط یک خندق عظیم در طول محوطه، در بخش‌های شمالی و جنوبی محدود شده است. به‌منظور شناخت بهتر وضعیت باستان‌شناسی شهرتپه، سطح محوطه موردبررسی سیستماتیک قرار گرفت. سطح محوطه به شانزده مربع ۲۲۵×۲۲۵ متر تقسیم گردید و به روش پیمایشی فشرده بررسی گردید (تصویر ۲). از پیمایش محوطه، ۲۳۸ قطعه سفال، سه آجر منقوش، یک قطعه گچ‌بری، بقایای یک‌پایه ستون سنگی، یک عدد سنگ‌ساب و بقایای جوش‌کوره یافت گردید. بر اساس بررسی سیستماتیک، پراکندگی مواد فرهنگی در نیمه شرقی محوطه، نسبت به نیمه غربی بیشتر است. در برخی از شبکه‌ها نیز هیچ‌گونه مواد فرهنگی یافت نگردید (جدول ۱). مجموع داده‌های یافت شده از دو فصل کاوش محوطه و بررسی سیستماتیک شهرتپه اطلاعاتی راجع به منظر عمومی و برخی فضاهای شهری شهرتپه به دست می‌دهد که در ادامه به تفکیک اشاره می‌شود.



تصویر ۲: نقشه توپوگرافی محوطه و موقعیت مربع‌های بررسی سیستماتیک بر روی آن (نامی، ۱۳۹۵: ۲۹)

جدول ۱: جدول شبکه‌های بررسی سیستماتیک، مواد فرهنگی شبکه‌ها و آسیب‌شناسی (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	نام شبکه	مواد فرهنگی	تراکم مواد فرهنگی	مکان کشف مواد فرهنگی نسبت به شبکه	آسیب‌شناسی
۱	F 5	-	-	-	کشاورزی
۲	F 4	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۳۵۰ مترمربع	به‌صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی
۳	E 4	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۱۰ مترمربع	به‌صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی
٤	E 3	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۱۵ مترمربع	به‌صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی
٥	D 4	-	-	-	کشاورزی
٦	D 3	قطعات سفال، سه قطعه آجر منقوش، یک قطعه گچ‌بری، بقایای یک‌پایه ستون سنگی، یک عدد سنگ‌ساب	یک قطعه در هر ۸۰ مترمربع	اغلب در نیمهٔ شرقی مربع	کشاورزی
۷	D2	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۲۰۰ مترمربع	به‌صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی
۸	C4	-	-	-	کشاورزی
۹	C 3	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۲۵۰ مترمربع	اغلب در نیمهٔ شمالی مربع	کشاورزی
۱۰	C 2	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۳۵۰ مترمربع	اغلب در نیمهٔ شمالی مربع	کشاورزی
۱۱	B 3	-	-	-	کشاورزی
۱۲	B 2	-	-	-	کشاورزی
۱۳	B 1	-	-	-	کشاورزی
۱٤	A 3	-	-	-	کشاورزی
۱٥	A 2	-	-	-	کشاورزی
۱٦	G 5	جوش‌کوره، قطعات سفال	یک قطعه در هر ٦۰ مترمربع	به‌صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی و ساخت و سازهای معاصر
۱۷	H 6	تنبوشه سفالی	-	-	ساخت و سازهای معاصر

استحکامات دفاعی: شهرتپه توسط استحکامات دفاعی، مشتمل بر برج‌ها، بارو و خندق محدود شده است (تصاویر ۲ و ۳). در پیرامون محوطه بقایای یک باروی خشتی طویل دیده می‌شود که متأثر از بستر طبیعی محوطه، شکل گرفته است. باروی محوطه منظری طولی داشته و از شرق به غرب بر عرض آن افزوده می‌شود. طول باروی محوطه ۱۱۷۲ متر است و عرض آن بین ۲۴۸ تا ۴۷۳ متر است. با استناد به گمانه‌ای که در دومین فصل کاوش شهرتپه در بخش غربی باروی محوطه حفر گردید، ابعاد خشت‌های حصار در این بخش ۱۰×۴۰×۴۰، ۱۲×۴۰×۴۰، ۱۳×۴۰×۴۰ و ۱۴×۴۰×۴۰ سانتیمتر است. این بارو توسط یک خندق محدود شده است. با استناد به بقایای به‌جای مانده،

خندق شهرتپه بخش‌های طولی بارو را، در بخش‌های شمالی و جنوبی محوطه محدود کرده است. این خندق در شرق شهرتپه، کمی پایین‌تر از منطقه صنعتی به یکدیگر متصل می‌شود. این مورد نشان می‌دهد بخش صنعتی که در بیرون بارو واقع گردیده است، توسط خندق محدود و محافظت‌شده است. بخش غربی حصار احتمالاً تنها توسط بارو حفاظت‌شده است. آب خندق توسط رودخانه‌های سرازیر شده از کوه‌های الله‌اکبر، در ده کیلومتری شرق محوطه پر شده است.



تصویر ۳: بخش‌هایی از بارو و خندق شهر در جنوب غربی محوطه (مأخذ: نگارندگان)

دروازه: با استناد به بررسی سطحی شهرتپه، این محوطه تنها یک دروازه ورودی، در شرق محوطه داشته است. دروازه محوطه، در حدفاصل منطقه صنعتی و شهر واقع گردیده و شهر را از منطقه صنعتی جدا می‌کند. این دروازه در منتهاالیه پایین مربع F5 واقع گردیده است (تصاویر ۲ و ۴). متأسفانه به دلیل فرسایش و تخریب دروازه، ابعاد دقیق آن در دست نیست.



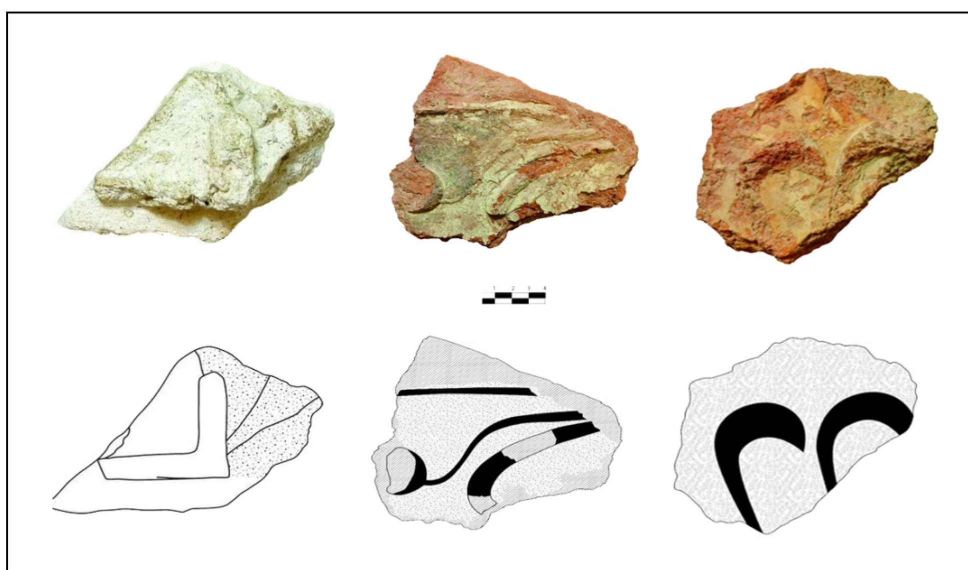
تصویر ۴: موقعیت دروازه در میان دو برجستگی پیرامونی که با فلش‌های زرد رنگ مشخص شده است (مأخذ: نگارندگان)

ارگ: در مربع D3 بررسی سیستماتیک شهرتپه (تصویر ۲)، در حدفاصل حصار جنوبی و مرکز محوطه، سه قطعه آجر منقوش، یک قطعه گچ‌بری، یک‌پایه ستون سنگی، یک عدد سنگ‌ساب و قطعات سفال یافت گردید. متأسفانه برخی از نقوش روی این آجرها از بین رفته است بااین‌حال نمونه چنین آجرهایی پیش‌تر از نسا گزارش شده است (Turco et al, 2015: 280-375). در مجاور این بخش، بزرگ‌ترین برجستگی درون محوطه در مربع E4 دیده می‌شود. بر اساس

بقایای امروزی، این تپه ۴۰ متر طول، ۲۳ متر عرض و ٦,۴۵ متر ارتفاع دارد. با استناد به بقایای سطحی و تپه مجاور آن، این بخش احتمالاً محدوده ارگ شهرتپه بوده است (تصاویر ۵ و ٦).



تصویر ۵: موقعیت ارگ نسبت به باروی محوطه (مأخذ: نگارندگان)
در این تصویر ارگ با فلش سیاه و بارو با فلش زرد مشخص شده است.

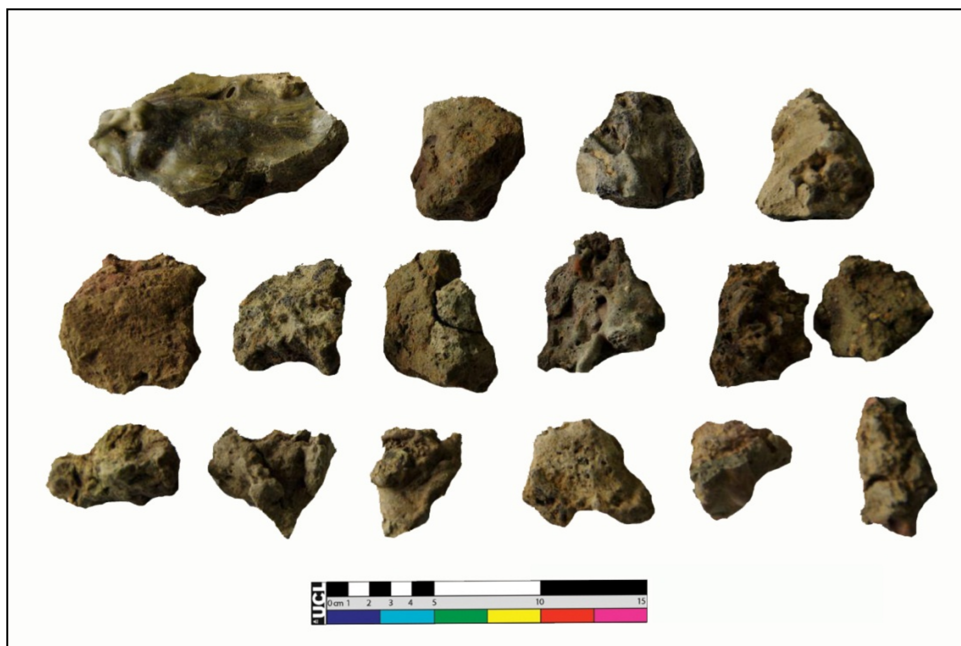


تصویر ٦: یک قطعه گچ‌بری و دو قطعه از سه قطعه آجر منقوش یافت شده از مربع D3 بررسی سیستماتیک شهرتپه (مأخذ: نگارندگان)

شارستان: بااینکه موقعیت ارگ و منطقه صنعتی شهرتپه تقریباً مشخص است، شواهد متقنی در دست نیست تا بر اساس آن بتوان شارستان شهر را مکان‌یابی کرد. تنها اطلاعات موجود راجع به محدوده تقریبی شارستان، داده‌های یافت شده از بررسی سیستماتیک شهرتپه است. بدون در نظر گرفتن محدوده ارگ، در دیگر مربع‌های درون شهرتپه، یا همانند مربع‌های D4، C4، B1، B2، B3، A2 و A3 هیچ‌گونه مواد فرهنگی یافت نشده است و یا مانند مربع‌های F4، E3، E4، D2، C2 و C3 تنها قطعات سفال با پراکندگی نسبی هر قطعه در ۲۰۰ الی ۳۵۰ مترمربع یافت شده است. لازم به ذکر است بخش قابل‌توجهی از کمبود و یا نبود مواد فرهنگی در بررسی سیستماتیک شهرتپه، به دلیل کشاورزی در درون محوطه است که بر کیفیت این بررسی تأثیر گذاشته است.لذا محدوده پیشنهادی شارستان، تنها یک فرضیه و گمان نسبی است. با این پیش‌فرض، با توجه به اینکه پراکندگی مواد فرهنگی در مربع‌هایی که حاوی قطعات سفال هستند هر ۲۰۰ الی ۳۵۰ مترمربع یک قطعه سفال است، لذا آن‌چنان تفاوتی بین این مربع‌ها و مربع‌های فاقد مواد فرهنگی نیست. بر این اساس پیشنهاد می‌شود، تمام محدوده درون بارو، به‌جز ارگ، می‌تواند محدوده شارستان

شهر باشد.این محدوده با این آگاهی پیشنهاد می‌شود که محدوده‌ای نسبی، فرضی و قراردادی است.

منطقه صنعتی: در مربع G5 بررسی سیستماتیک، در شرق محوطه و بیرون از حصار شرقی، چهار عدد جوش‌کوره یافت گردید. با این پیش‌فرض که بقایای سطحی می‌تواند در مکان‌یابی منطقه صنعتی شهر راهگشا باشد، سه گمانه آزمایشی در این محدوده حفر گردید. در نتیجه، مقادیر فراوانی جوش‌کوره، سرباره و شیشه تغییر فرم داده (دفرمه شده) کشف گردید که نشان داد این بخش، منطقه صنعتی شهرتپه بوده است (تصویر ۷). بر این اساس منطقه صنعتی شهرتپه به احتمال فراوان، در حدفاصل حصار شرقی تا جایی است که دو رودخانه شمالی و جنوبی شهرتپه به هم می‌پیوندند.مربع‌های F5 و G5 محدوده تقریبی منطقه صنعتی شهرتپه را نشان می‌دهد.



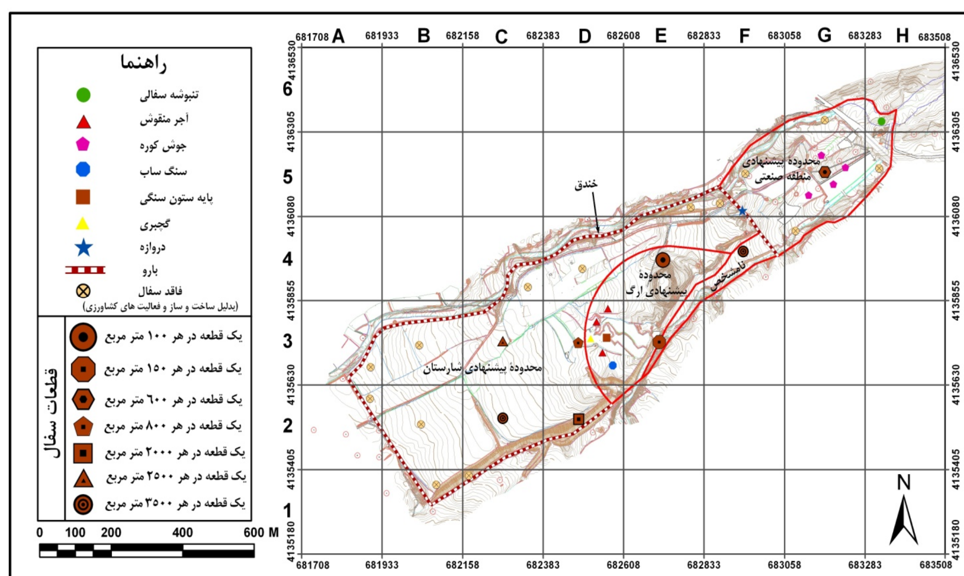
تصویر ۷: برخی از قطعات جوش‌کوره از کاوش در منطقه صنعتی شهرتپه (مأخذ: نگارندگان)

سیستم فاضلاب شهری: در مربع H6 بررسی سیستماتیک، کمی دورتر از باروی محوطه، درست درجایی که منطقه صنعتی تمام می‌شود و دو رودخانه شمالی و جنوبی به یکدیگر می‌پیوندد، آثار یک تنبوشه سفالی انتقال فاضلاب شهری کشف گردید (تصویر ۸).موقعیت این تنبوشه سفالی درجایی که دو رودخانه پیرامونی شهرتپه به یکدیگر متصل می‌شود، نشان می‌دهد فاضلاب شهری درنهایت به رودخانه پایین‌دست شهرتپه ریخته شده است. این سیستم، به‌خوبی نظم شهری از پیش طراحی‌شده شهرتپه را نشان می‌دهد.



تصویر ۸: بقایای تنبوشه سفالی در پایین‌دست شهر در محل اتصال دو رودخانه شمالی و جنوبی به یکدیگر (مأخذ: نگارندگان)

همانگونه که پیش‌تر به تفکیک و تشریح اشاره گردید، منظر عمومی شهرتپه مشتمل بر استحکامات دفاعی، دروازه ورودی، ارگ، شارستان، منطقه صنعتی و سیستم فاضلاب شهری است. مبنای این تفکیک فضایی، داده‌های یافت شده از مطالعات باستان‌شناسی شهرتپه است. در ادامه، به منظور فهم بهتر منظر عمومی شهرتپه، ۱) محل کشف داده‌های باستان‌شناسی و ۲) سازمان فضایی پیشنهادی شهرتپه ارائه گردیده است (تصویر ۹).



تصویر ۹: سازمان فضایی و محل کشف داده‌های باستان‌شناسی شهرتپه به تفکیک شبکه‌های بررسی سیستماتیک (مأخذ: نگارندگان)

تحلیل سازمان فضایی شهرتپه

شهرتپه در یک بافتار تاریخی و جغرافیایی مشخص شکل گرفته است. درک کیفیت سازمان فضایی این شهر نیز بدون فهم بافتار تاریخی و جغرافیایی آن، درکی ناقص و به مراتب نسبی است. در بافتار تاریخی و جغرافیایی، شهرتپه نماینده یکی از نخستین شهرهای ساخته شده توسط اشکانیان در ایران است. لذا آن را می‌توان از اولین تجربیات شهرسازی اشکانیان در قلمرو تحت حکمرانی آن‌ها مفروض داشت. با این نگاه، شهرتپه خود را نماینده یکی از اولین و قدیمی‌ترین شهرهای تاریخ اشکانی معرفی می‌کند. با پیروی از این نگاه، می‌توان کیفیت سازمان فضایی شهرتپه را به‌عنوان الگوی نظم فضایی در نخستین شهرهای تاریخ اشکانی مفروض داشت. با استناد به مطالعات باستان‌شناسی، عناصر فضایی شهری تاکنون شناخته‌شده از شهرتپه به قرار زیر است: ۱. استحکامات دفاعی، ۲. دروازه، ۳. ارگ، ۴. شارستان، ۵. منطقه صنعتی و ٦. سیستم فاضلاب شهری. اولین مشخصه این عناصر فضایی در شهرتپه، قابلیت تفکیک‌پذیری آن‌ها از یکدیگر است؛ موردی که می‌توان آن را یکی از وجوه بارز شهرسازی در ایران پیش از اسلام قلمداد کرد. عناصر شهری شهرتپه، هر یک در محدوده مشخص و متمایز از دیگری قرار گرفته است. این مورد به بهترین نحو در بخش صنعتی شهرتپه دیده می‌شود. منطقه صنعتی احتمالاً به دلیل آلودگی‌های ناشی از فرایند تولید، در بیرون از باروی شهر واقع شده است. کشف جوش‌کوره، سرباره و شیشه تغییر فرم داده (دفرمه شده)، نشان می‌دهد، بخشی از عناصر فضایی این بخش، کوره‌های سفالگری، کوره‌های ساخت فلز و کوره‌های تولید شیشه بوده است. این مورد ضمن اینکه کیفیت سازمان فضایی شهرتپه در نخستین سده‌های تاریخ اشکانی را نشان می‌دهد، به همجواری این سازه‌های شهری نیز اشاره می‌کند. ارگ، از دیگر اجزاء سازمان فضایی شهرتپه است. محدوده دقیق ارگ شهر همچنان در انتظار کلنگ باستان‌شناسی است. بااین‌حال، بر اساس بقایای مواد فرهنگی بررسی سیستماتیک، گمان می‌رود ارگ در حدفاصل حصار جنوبی و مرکز محوطه واقع شده باشد. اگر تپه واقع در این بخش از محوطه را به‌درستی بتوان نماینده بخشی از ارگ شهر تصور کرد، می‌توان گمان

بردبخش‌هایی از ارگ در گوشه شهر واقع شده است. کشف قطعات آجر منقوش، قطعات گچ‌بری و بقایای یک‌پایه ستون سنگی در این بخش از شهر نشان می‌دهد در این محدوده می‌بایست با سازه‌های اعیانی سروکار داشت. با یک کنجکاوی باستان‌شناختی، حتی می‌توان گمان برد، تپه مرتفع این بخش از محوطه، بخش مرکزی و اصلی ارگ شهر بوده است.

مکان‌یابی شارستان شهر، تنها متکی بر پراکندگی قطعات سفال در برخی مربع‌های بررسی سیستماتیک است. لذا مکان‌یابی این بخش در فراسوی بخش ارگ نشین، تنها یک ضرورت ناشی از وجود انتظام شهری در شهرتپه است. کشف بقایای سیستم فاضلاب شهری، آن‌سوتر از منطقه صنعتی، درست در محل اتصال دو رودخانه پیرامونی محوطه در پایین‌دست شهر، وجه بارز انتظام شهری در شهرتپه است. این مورد ضمن آنکه بر وجود شهرهایی با سیستم فاضلاب کشی شهری در اولین سده‌های حکمرانی اشکانیان اشاره می‌کند، این گمان را در ذهن تداعی می‌کند که شهرتپه، شهری از پیش طراحی‌شده بوده است. شهری با جدایی و تفکیک قالب‌مند فضاهای شهری در اولین سده‌های حکومت اشکانیان در شمال شرق ایران. این انتظام فضایی شهری با باروی سراسری و خندق بیرونی تکمیل می‌شود. وجود این عناصر دفاعی، در سطحی‌ترین لایه تحلیل عناصر فضایی، نشان می‌دهد تأمین امنیت، بخشی لاینفک و جدایی‌ناپذیر از کالبد شهری شهرتپه بوده است.

همانگونه که اشاره گردید، شهرتپه احتمالاً شهری از پیش طراحی شده است. بااین‌حال کیفیت این طراحی همچنان مبهم و نسبی است. در شهرهای دوره تاریخی ایران، عموماً دو انتظام شهری هیپودام و مدور، الگوی رایج در دسته‌بندی انتظام‌های شهری است. شهرتپه، آنگونه که پلان کلی آن نشان می‌دهد، جزء شهرهای مدور نیست. درعین‌حال، تنها کلنگ باستان‌شناسی می‌تواند راجع به الگوی احتمالی هیپودام در شهرتپه قضاوت کند. تا آنجا که شواهد باستان‌شناسی در این راستا راهگشا است، عوامل طبیعی در الگوی شکل‌گیری شهرتپه مؤثر بوده است. تفاوت عرض حصار در بخش‌های شرقی و غربی محوطه، بارزترین تأثیر این عامل در مورفولوژی شهرتپه است. به‌علاوه، با در نظر گرفتن بافتار تاریخی و جغرافیایی شهرتپه، گمان می‌رود ضرورت سیاسی ساخت شهر، مقدم‌تر از انتظام‌های شهری آن بوده است. هرچند این دو مورد بالقوه با یکدیگر تباین ندارند، می‌توان بخشی از انتظام شهری شهرتپه را ناشی از ضرورت سیاسی ساخت شهر و بالطبع، قدرت سیاسی حامی ساخت شهر مفروض داشت. با این حال تا شکافتن قلب شهرتپه و کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی، داوری راجع به الگوی ساخت شهرتپه در اولین سده‌های حکمرانی اشکانیان قضاوتی عجولانه و به‌مراتب نسبی است.

هنوز نمی‌توان با اطمینان از کیفیت تمایز طبقات اجتماعی در شهرتپه سخن به میان آورد. بااین‌حال، موجودیت منطقه موسوم به ارگ، وجهی بارز و مشخص از وجود نخبگان سیاسی-اجتماعی در شهرتپه است. به‌علاوه، داده‌های باستان‌شناسی منطقه صنعتی، از وجود طبقه صنعتگران در بافت شهری شهرتپه پرده برداشته است. برج‌های نگهبانی موجود در باروی سراسری نیز نشان می‌دهد این انتظام شهری توسط نیروهای نظامی حفاظت می‌شده است. این مورد نیز بر وجود طبقه جنگاوران در میان طبقات اجتماعی شهرتپه گواهی می‌دهد. با آگاهی از اینکه مذهب، همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از موجودیت شهری شهرهای دنیای باستان بوده است و روحانیون مذهبی خود طبقه‌ای جداگانه در بافتار جامعه شرق باستان بودند، به دلیل نبود شواهد باستان‌شناسی، این طبقه اجتماعی تا کلنگ باستان‌شناسی در شهرتپه، در میان طبقات اجتماعی این محوطه قرار نخواهد گرفت. شواهدی در دست نیست که نشان دهد ساکنان شارستان شهرتپه در کدام گروه از طبقات اجتماعی جامعه قرار خواهند گرفت. لذا با آگاهی از وجود دیگر طبقات اجتماعی، تلاش می‌شود فراتر از گمانه‌های باستان‌شناسی، در بازسازی طبقات اجتماعی شهرتپه گمانه-زنی صورت نگیرد.

نتیجه‌گیری

با استناد به بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی، شهرتپه یکی از شهرهای اوایل دوره اشکانی در شمال شرق ایران می‌باشد. این شهر همانند دیگر شهرهای پیش از اسلام، از یک سازمان فضایی شهری برخوردار است. داده‌های

باستان‌شناسی تا حدودی توانسته نظم فضایی موجود در این شهر مهم اوایل دوره اشکانی را بارز کند. در این انتظام، داده‌های باستان‌شناسی در مکان‌یابی ارگ، شارستان و منطقه صنعتی راهگشا بودند. کشف آجرهای منقوش، قطعات گچبری و بقایای پایه ستون سنگی در مربع شبکه‌بندی D3 نشان می‌دهد این محدوده احتمالاً بخشی از ارگ شهر بوده است. اگر چنین باشد تپه واقع در مجاور این بخش در مربع E4 نیز می‌تواند بخش دیگری از ارگ شهرتپه بوده باشد. با اینکه کشاورزی و باغداری بر کیفیت بررسی سیستماتیک در بخش‌هایی از محوطه تأثیر منفی گذاشته است، کشف پراکنده قطعات سفال در بیرون از محدودهٔ پیشنهادی ارگ، می‌تواند معرف شارستان شهر بوده باشد. با درک محدوده ارگ، مربع‌های D4، C4، B1، B2، B3، A2،A3،F4، E3، E4، D2، C2 و C3 به‌عنوان محدوده تقریبی شارستان پیشنهاد می‌گردد. در بررسی سیستماتیک شهرتپه شواهدی از تفکیک فضایی ارگ و شارستان دیده نشده است. با توجه به اینکه تفکیک فضایی یکی از مشخصات شهرسازی در پیش از اسلام بوده است، احتمالاً عناصر تفکیک فضایی ارگ و شارستان تنها با کاوش‌های باستان‌شناسی قابل‌ردیابی و مشاهده است. برخلاف مورد فوق، دو بخش شارستان و منطقه صنعتی امروزه به‌وضوح قابل‌تفکیک می‌باشد. در حدفاصل شارستان و منطقه صنعتی، باروی شهر واقع شده است. در بررسی سیستماتیک مربع G5 جوش‌کوره و قطعات سفال کشف‌شده است. در کاوش باستان‌شناسی این مربع و مربع F5 نیز جوش‌کوره، سرباره و شیشه تغییر فرم داده (دفرمه شده) یافت شده است. این داده‌ها به‌وضوح نشان می‌دهد این محدوده، منطقه صنعتی شهرتپه بوده است. در منتهاالیه منطقه صنعتی، جایی که خندق شهر به هم متصل می‌شود نیز بقایای یک تنبوشهٔ سفالی یافت شده که نشان می‌دهد جدا از تفکیک فضایی، شهرتپه احتمالاً دارای سیستم فاضلاب‌کشی شهری نیز بوده است. به‌علاوه، شهرتپه در یک تعالی و انتظام شهری با خندق، بارو و یک دروازه ورودی محدود شده است. بررسی این عناصر فضایی نشان می‌دهد، شهرتپه از یک انتظام شهری برخوردار بوده است؛ به‌نحوی‌که حتی می‌توان این شهر مهم اوایل دوره اشکانی را با شهری از پیش طراحی‌شده مفروض داشت. تمایز مکانی ارگ، شارستان و منطقه صنعتی، در کنار برج و باروی سراسری که با یک خندق محافظت می‌شود، معرف نظم شهری شهرتپه در تاریخ اوایل دوره اشکانی است. وجود سیستم فاضلاب شهری در پایین‌دست شهر، وجهی دیگر از انتظام شهری و فرضی بر وجود شهری از پیش طراحی‌شده در اولین سده‌های فتوحات اشکانیان است.اندام‌ها و کل‌های معماری شهرتپه با چنان قالبی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که می‌توان آن را نماینده یک شهر متعالی در تاریخ اشکانیان مفروض داشت. این انتظام شهری در بافتاری تاریخی مطرح می‌شود که اشکانیان اولین تجارب شهرسازی خود را به منصه ظهور رسانده‌اند.بنابراین اشتباه نیست اگر تصور شود بخشی از این تجارت شهرسازی ریشه در تاریخ قدیمی‌تر ایران و آسیای مرکزی داشته باشد.در فراسوی سازمان فضایی شهرتپه، گروه‌های اجتماعی زندگی می‌کنند که قدرت، جنگاوری و پویایی شهری از آن‌ها مستفاد می‌گردد. نخبگان سیاسی-اجتماعی، جنگاوران و صنعتگران تنها بخشی از طبقات اجتماعی شهرتپه هستند که شواهدی از حضور آن‌ها در این شهر مهم اوایل دوره اشکانی در دست است.درمجموع با استناد به تاریخ شهرتپه، این محوطه یکی از قدیمی‌ترین شهرهای تاریخ اشکانی است که در یک تعالی و انتظام شهری، احتمالاً در اولین دهه‌های شکل‌گیری اشکانیان در خراسان بزرگ ایجاد گردیده است. این تعالی و انتظام که در تمام اجزاء شهری شهرتپه دیده می‌شود، نشان می‌دهد که شهرتپه به شایستگی می‌تواند و می‌بایست نماینده اولین شهرهای تاریخ اشکانیان در قلمرو این امپراتوری تلقی و قلمداد گردد.

فهرست منابع

۱. استرابو. (۱۳۸۲). ***جغرافیای استرابو.*** ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.

۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن.(۱۳۷۱). ***دررالتیجان فی تاریخ بنی اشکان.*** به کوشش نعمت احمدی.بی‌جا: اطلس.

۳. بختیاری شهری، محمود. (۱۳۷۵).***گزارش مقدماتی بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان درگز.*** سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

۴. پرو، ژان. (۱۳٦۵). «شهرنشینی هخامنشی در شوش». *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. ترجمه افسانه خلعتبری. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.

۵. پوراحمد، احمد، و عطیه پوراحمد. (۱۳۹۴). «ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام». *شهر پایدار*. (شماره ۱)، ۳٦-۲۱.

٦. حسینی، اکرم، و مهسا فلاح مهرجردی. (۱۳۹۵). «بررسی روند شکل‌گیری ساختار کالبدی-فضایی شهر هترا». *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*. (شماره ۱۰)، ۱٦۰-۱۴۱.

۷. حسن آبادی، علی، ۹۵/۰٦/۰۳. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی.

۸. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. ج ۱۰. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی.تهران: دانشگاه تهران.

۹. سرفراز، علی‌اکبر و محمود تیموری. (۱۳۸٦). «سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور». *باغ نظر*. (شماره ۸)، ۱۰۲-۹۱.

۱۰. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳٦۲). *روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران*. تهران: آگاه.

۱۱. شارپ، رلف نارمن. (۱۳۸۲). *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی*. تهران: پازینه.

۱۲. شیپمان، کلاوس. (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ پارتیان*. ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: ققنوس.

۱۳. فلاح مهنه، مهدی. (۱۳۹۴). «مطالعه و تحلیل باستان‌شناسی استقرارهای دوره اشکانی دشت درگز». *پایان‌نامه مقطع دکتری*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

۱۴. کریمیان حسن، و ساسان سیدین. (۱۳۸۹). «دارابگرد در انتقال از ساسانیان به دوران اسلامی بر اساس مستندات باستان‌شناختی». *باغ نظر*. (شماره ۱۳)، ۸۸-۷۳.

۱۵. کوثری، یحیی، و علی‌اکبر سرفراز. (۱۳۴۵). *بررسی شمال شرق*. سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

۱٦. لباف خانیکی، رجبعلی. (۱۳۸۷). «به یاد نگهبان، سهم دکتر نگهبان در باستان‌شناسی خراسان». *باستان‌شناسی و تاریخ*. (شماره ۴۵)، ۹۹-۱۰۳.

۱۷. منصوری، سید امیر. (۱۳۸٦). «دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام، با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان». *باغ نظر*. (شماره ۷)، ٦۰-۴۹.

۱۸. نامی، حسن. (۱۳۹۵). *گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم شهرتپه چاپشلو*. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان خراسان رضوی (منتشر نشده).

۱۹. نامی، حسن و همکاران. (۱۳۹٦). «تحلیل و گاهنگاری پیشنهادی شهرتپه چاپشلو در شهرستان درگز، شمال شرق ایران». *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*. (شماره ۱۳)، ۱۴۲-۱۲۳.

۲۰. هوف، دیتریش. (۱۳٦۵). «شهرهای ساسانی». *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. ترجمه محمدرحیم صراف. به کوشش محمد یوسف کیانی.تهران: جهاد دانشگاهی.

21. Arrian, Flavius Arrianus. (1929). *Anabasis Alexandri, Books I-IV*.translatedby E. Iliff Robson, B.D, London: Harvard University Press.

22. Frankfort. H. (1927). *Studies in Early Pottery of the Near East. II. Asia, Europe and the Agean, and their Earliest Interrelations*. Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland, Occasional Papers, London.

23. Herodotus. (1920). *The Histories, Books II*.translated by A. D. Godley,Loeb Classical Library 117. Cambridge, mass: Harvard University Press.

24. Kohl, Ph, D. L. Heskel.(1980). "ArchaeologicalReconnaissanceinthe Darreh Gaz Plain: A Short Report".*Iran*,(vol 18), 160-172.

25. Napier G. C. S. A. Kazi.(1876). "Extracts from aDiary of a Tour in Khorassan, and Notes on the Eastern Alburz Tract;with Notes on the Yomut Tribe". *Journal of the Royal GeographicalSociety of London*, (vol 46): 62-171.

26. Rawlinson, S. H. (1879). *The Road to Merv*. London: *Royal Geographical Society*.

27. Tomaschek, W.(1896).*Apavortene,* in P-WRE (Realencyclopädie der classischen Altertumswissenschaft)

28. Bd. II, Georg Wissowa publisher, Stuttgart.

29. Turco, F., Davit, P. Borghi, A. Bruno, J. Lippolis, C. Operti, L.(2015)."Multi-technique characterization of various artefacts and raw

materialsfrom Old Nisa (Turkmenistan): A preliminary study". *Journal of ArchaeologicalScience*. (vol5), 372-382.

30. Wiesehöfer, J.(2004). "Communicators between East andWest: TheParthians".*Persiens Antike Pracht*.Germany: Deutsches Bergbau-Museum Bochum.